

آذر خشی بر شیاطین لال (۶)

“جهل” از عوامل ترس...

اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ یَا دَاعِیَ اللّٰهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ،
اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ یَا بَابَ اللّٰهِ وَ دِیَّانَ دِیْنِهِ، اَلَسَّ لَامٌ
عَلَیْكَ یَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ... اَلَسَّ لَامٌ
عَلَیْكَ یَا تَالِیَ كِتَابِ اللّٰهِ وَ تَرْجُمَانَهُ، اَلَسَّ لَامٌ
عَلَیْكَ فِی آنَاءِ لَیْلِکَ وَ اطْرَافِ نَهَارِکَ، اَلَسَّ لَامٌ
عَلَیْكَ یَا بَقِیَّةَ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ، اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ یَا
مِثَاقَ اللّٰهِ الَّذِیْ اَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ...
اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ حِیْنَ تَقُومُ، اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ حِیْنَ
تَقْعُدُ... اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ حِیْنَ تُصَلِّی وَ تَقْنُتُ،
اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ حِیْنَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ، اَلَسَّ لَامٌ
عَلَیْكَ حِیْنَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ، اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ حِیْنَ
تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ... اَلَسَّ لَامٌ عَلَیْكَ بِرِجْوَامِعِ
اَلَسَّ لَامٌ .

زمان اولین روز از شهادت بانوی مکرم اسلام حضرت فاطمه اطهر (سلام
الله علیها) میباشد و لحظات، مصادف با لحظات سخت و دردناک “کتک
خوردن مقداد” بخاطر روبرو شدن با عمر در مسیر بازگشت از دفن زهرا
(س) و بیان این حقیقت است...

قال رسول الله (ص):

«انَّ السَّاکِتَ عَنِ الْحَقِّ شَيْطَانٌ اَخْرَسَ وَ النَّاطِقُ بِالْبَاطِلِ
شَيْطَانٌ نَاطِقٌ»؛ «هر کس در برابر حق اعلام موضع نکند و سکوت نماید
شیطان لال است و هر کس باطل را بگوید شیطان ناطق است».
در جریان شهادت حضرت زهرا (س) دفاع از حق و دفاع از ولایت مطرح
است، که هم موضوع فردیست هم اجتماعی.

گفته شد ترس از عوامل مهم سکوت در برابر حق است، شخص ترسو هر خطر
موهومی را جدی می گیرد و هر دشمن خیالی را مایه وحشت قرار میدهد،
از همه چیز و حتی از سایه خودش نیز می ترسد. از ورود در هر کاری
به احتمال عدم موفقیت واهمه دارد؛ که چنین ترسی مایه عقب ماندگی
و بدبختی و ناکامی است و موجب شکست و ذلت و زبونی است. این جهان
در همه ابعادش مانند میدان نبرد است. موانع، مشکلات و خطرهای همیشه

وجود داشته و دارد و تا انسان با آنها دست و پنجه نرم نکند، موفق نخواهد شد. در مقابل شجاعت آن است که خطرات جدی پیش بینی شود و راه مقابله با آن شناخته شده و نیز از بی پروایی و تهور پرهیز گردد اما در عین حال احتمالات نسنجیده و نامعقول و یا احتمالاتی که همیشه و در هر حال وجود دارد نباید سدّ راه گردد. لذا شجاعت، مهمترین و بزرگترین پشتیبان و حامی در فریاد بر علیه ظالمان و ساکتان است؛ تا جایکه حتی با اعلان موضع خود نیز ترسی بدل راه نخواهد داشت.

و چنین حضرت زهرا(س) تشخیص داد که در دفاع از حق آذرخش گونه برخورد نماید.

و حالا بر ماست که باید با شناخت حضرت زهرا(س) و عملکردش یاد گرفت که با ترس و خوف چگونه برخورد و مقابله شود.

سیاست آسرای و شجاع مدارانه حضرت زهرا(س) بی هیچ وحشتی ایشان را به نصرت طلبی از مهاجرین و انصار، آنهم شبانه کشاند و با خطبه های آتشینش، حماسه ای خلق کرد که بعد از گذشت سالها، درس سیاست برخورد با دشمن را می آموزد.

یکی از شخصیت های تاریخی که از زهرا(س) الگوگیری نمود و نگذاشت ترس و نگرانی او را به سکوت ناحق بکشاند، بانوی شجاع، ام سلمه میباشد.

ام سلمه شخصیت والایی بود که طرف مشورت حضرت علی(ع) قرار گرفته بود، این بانوی مکرمه بدلیل حقیقت گویی اش، حقوق همسریش قطع شده بود اما نمی ترسید چون حق را پشتیبان خود میدید. آری اگر انسان حس کند که حق مدافع او و حامی او است، هیچ ترسی بوجودش راه نخواهد یافت.

جناب "مقداد" هم نمونه ای از مردان نترس است که بعد از تدفین حضرت زهرا با غاصبان ولایت مواجه شد و بعلت دفاع از حق حضرت زهرا(س) توسط آن ناکسان کتک خورد.

برای نمونه تاریخی "ترس" نیز، بخود خلفاء میتوان اشاره کرد. عمر از یهودیان ترس داشت و بخاطر منافع مادی فریب خورده، ایشان شد، حتی او بعد از پشیمانی از عمل جنایتکارانه اش بخاطر ترس از دست دادن مقام، ترس از سبقت انصار برای ربودن خلافت، و جهل به تنصیصی بودن امر خلافت و ریاست و نیز اینکه نخواست توسط مردم سرزنش شود، استغفار و توبه نکرد و به حقیقت کشی ادامه داد و به عاقبت شوم اشقی الاشقیاء گرفتار گردید.

پس ترس امت بخاطر از دست رفتن امکانات و پایمال شدن حقوق شخصی، از دست دادن فرزند و همسر، باعث ایجاد فاجعه عظیم جنایت بزرگ تاریخ شد و در طول تاریخ هم چنین اتفاقاتی در حوزه جغرافیایی

اسلام صورت گرفته و میگیرد، گویا تاریخ تکرار میشود... امروز دشمنان اسلام در هر موقعیتی، علی الخصوص در محیطهای مجازی از یکسو قصد تضعیف روحیه برائت فاطمی و از بین بردن غیرت دینی و از سوی دیگر، ایجاد ناامیدی و تقویت ترس و سکوت و حق کشی در امت اسلامی را دارند، لذا لازم است نترسیدن و نیفتادن به موضع ترس را یادگرفت و با دشمنان دین و اولیای دین بمقابله پرداخت. چنانچه قبلا بیان شد دو نوع ترس وجود دارد: طبیعی و اکتسابی. برای رفع ترسهای طبیعی باید با آنچه که مورد ترس است روبرو شد؛ امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «إِذَا هَيْبَتَ أَمْرًا فَقَعْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ» «هرگاه از کاری ترسیدی خود را به کام آن بینداز؛ زیرا ترس از آن کار زیانبارتر از اقدام به آن کار است». حضرت رسول (ص) فرمودند:

«رَجُلٌ عَلَى مَتْنٍ فَرَسِهِ، يَخِيفُ الْعَدُوَّ وَ يَخِيفُونَهُ»
 «مرد بر اسبش سوار و دشمن را بترساند»

و نیز فرمودند:
 «إِذَا خِيفْتَ مَعُوبَةً أَمْرٍ فَاصْعُبْ لَهُ يُذِلَّ لَكَ...»
 «هرگاه از سختی کاری ترسیدی در برابر آن سرسختی نشان ده...».

اما برای رفع ترسهای اکتسابی می باید "جهل" که یکی از عوامل مهم ترس است را نسبت به آنچه که مورد ترس هست برطرف کرد. جهل به مسأله ریشه اکثر بيمسئوليتها و کارهای در زمین مانده و یا اقدام نکردن و در نتیجه عدم پیشرفت در کارهاست، جهل باعث میشود، سیستم پاسخ دهی بدن از حیث کلامی و عکس العملی تضعیف گردد تا جایکه نخواسته و علیرغم میل خود نیز از حق گویی امتناع ورزیده و سکوت پیشه کند، اما معرفت و یقین به مسائل انسان را مسلط و آماده برخورد مطلوب با آن می نماید. امروز بی شک همه مطالب و ترفندهای دشمنان در راستای مهدویت و ظهور است، و باید توجه داشت که مظلومیت حضرت حجت(ع) از حضرت زهرا(س) بیشتر بوده و ایشان دائما مضطر و غمگین و گریان میباشند، لذا منتظران ترس و شجاعتی نیاز است که با روحیه حماسی در فراهم کردن شرایط ظهور مضطرانه و مصرانه تلاش نمایند، زیرا در آماری که بیان شده از ۱۲۰۰ نشانه ظهور ۱۱۹۵ اتفاق افتاده و تنها ۵ مورد باقیمانده است، با اینحال برآستی اگر حضرت بیاید و آمادگی نباشد از شرمندگی چه باید کرد و از نکبت بکجا باید فرار کرد؟

پس نهایتاً باید در زدودن ترس بعنوان مانع دفاع از حق و عامل سکوت ناهق، کوشش کرد و با ایجاد روحیه حماسی زمان غیبت را به اتمام رساند و شاهد تشکیل دولت کریمه و انتقام گیری حضرت حجّت(ع) از دشمنانش شد.

...قباله در دستی و در دست دیگر دست حسن باشوق...
اما بابا! شد آنچه باید نشد من گرفتم در وسط کوچه دست مادر را...